

اجلاس سپتامبر ۲۰۰۶ شورای حکام

قبل از برگزاری اجلاس سپتامبر ۲۰۰۶ شاهد تحولات مهمی در عرصه سیاسی می‌باشیم که مرور آن‌ها برای درک فضای این اجلاس، بسیار مهم می‌باشد.

با این که پس از ارائه بسته ۶ ژوئن ۲۰۰۶ هیچ ضرب‌الأجلی برای ارائه پاسخ به آن تعیین نشده بود، جمهوری اسلامی ایران با تعیین کمیته‌های کارشناسی به منظور بررسی این بسته اعلام کرد که ظرف مدت ۴۵ روز (۳۱ مرداد ۱۳۸۵) به این بسته پاسخ خواهد داد. اما پس از ارائه این بسته، سه کشور اروپایی و آمریکا با در پیش گرفتن فشارهای سیاسی و تبلیغی خواهان دریافت پاسخ سریع ایران به بسته شدند. از اینرو، جمهوری اسلامی ایران پذیرفت که مذاکرات مقدماتی برای ارائه پاسخ در پرتو بسته ۶ ژوئن انجام شود. این مذاکرات، بین هیأت ایرانی به ریاست دکتر لاریجانی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی و هیئت پنج کشور به ریاست سولانا در ۱۵ تیر ماه ۱۳۸۵ (۲۰۰۶/۷/۶) در بروکسل برگزار گردید. در این مذاکرات، دکتر لاریجانی با مرور برخی موارد در خصوص بسته شش کشور اعلام کرد که ایران پاسخ مقدماتی خود به بسته را ظرف یک هفته آینده ارائه خواهد نمود. هیأت‌های طرفین مجدداً در ۲۰ تیرماه ۱۳۸۵ (۲۰۰۶/۷/۱۱) در بروکسل با یکدیگر دیدار کردند. در این نشست که نمایندگان پنج کشور روسیه، چین، فرانسه، آلمان و انگلیس نیز حضور داشتند، طرف اروپایی انتظار داشت که پاسخ اولیه ولی مثبت ایران را به بسته ۶ ژوئن و پذیرش تعلیق دریافت نماید. دکتر لاریجانی نیز اظهار داشت تمامی موضوعات و نگرانی‌ها باید مورد بررسی و مذاکره قرار گیرد. هرچند اصل و جوهره پیشنهاد می‌تواند مبنایی برای مذاکرات قرار گیرد، اما بسته دارای ابهاماتی است که باید رفع شود و همچنین در بخش غنی سازی اختلافاتی وجود دارد که گفتگوها دقیقاً برای رسیدن به توافق در این نقطه اختلاف برانگیز است. طرف مقابل نیز از آنجا که ایران پاسخ مساعد به تعلیق و پذیرش بی قید و شرط بسته نداد، اظهار داشت این مذاکرات راضی کننده نبود. سولانا بر اهمیت تعلیق غنی سازی تأکید و اعلام کرد که این مسئله یک عنصر کلیدی در مذاکرات است، اما جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت که درباره این مسأله می‌توان در شرایطی که تحت تأثیر تعلیق غنی سازی نباشد گفتگو نمود.

یک روز پس از نشست مزبور، وزیرای خارجه شش کشور در ۲۱ تیر ۱۳۸۵ در پاریس گردهم آمدند و با صدور بیانیه‌ای اعلام کردند که ایران به بسته ۶ ژوئن پاسخ نداده و فعالیت‌های غنی سازی را نیز تعلیق نکرده است و از اینرو، آنان به دنبال صدور قطعنامه‌ای در شورای امنیت خواهند بود تا تعلیق را اجباری نماید و چنانچه ایران به این قطعنامه نیز پایبند نباشد، اقدامات بیشتری را تحت ماده ۴۱ فصل ۷ منشور ملل متحد اتخاذ خواهند کرد. این کشورها به دو نشست سولانا و دکتر لاریجانی در بروکسل

نیز توجهی نکردند و حتی صبر نکردند تا ایران پاسخ رسمی خود را به این بسته ارائه نماید. شورایعالی امنیت ملی نیز در واکنش به این بیانیه، با صدور بیانیه ای در ۲۹ تیرماه ۱۳۸۵ (۲۰۰۶/۷/۲۰) اظهار داشت: «جمهوری اسلامی ایران کاملاً به یافتن راه حل مذاکراتی از طریق مسیر دیپلماسی متعهد است و آماده مذاکره هدفمند و با زمانبندی مشخص مورد رضایت طرفین است. جمهوری اسلامی ایران از ابتدا با دریافت بسته پیشنهادی، از ابتکار جدید استقبال کرده و با نگاهی مثبت و درون کمیته های کارشناسی داخل کشور به بررسی جدی بسته پیشنهادی اقدام نموده و در حال ادامه می باشد. طبیعی است بررسی چنین طرحی به زمان منطقی نیاز دارد و با توجه به جدیت جمهوری اسلامی در بررسی طرح در کمیته های تخصصی، ۳۱ مردادماه برای اعلام نقطه نظرات مشخص گردید. برای جمهوری اسلامی ایران مایه تعجب است که پس از برگزاری اولین دور مذاکرات مقدماتی با آقای سولانا در بروکسل، درحالی که هیچ اتفاق خاصی نیفتاده است شواهدی وجود دارد که بعضی از طرف ها و به طور مشخص آمریکا با تغییر مسیر مذاکرات به مسیر شورای امنیت درصدد ایجاد موانع بر راه دیپلماسی و مذاکره هستند، درحالی که مسیر مذاکره با اروپا مسیر روشن و درستی است که می تواند به نتیجه برسد. چنانچه مسیر تقابل به جای مسیر مذاکره انتخاب شود و در صورت هرگونه اقدام برای تحدید حقوق مسلم ملت ایران، برای جمهوری اسلامی ایران چاره ای جز تجدیدنظر در سیاست های هسته ای آن باقی نخواهد ماند. جمهوری اسلامی ایران معتقد است که مسیر مذاکره و گفت و گو و تفاهم، منطقی ترین راه برای حل و فصل مسائل می باشد و در این مسیر نیز مصمم و جدی است و بر آن تأکید دارد و از طرف مقابل نیز می خواهیم به میز مذاکره بازگردد.»

اما طرف مقابل که به دنبال مذاکرات واقعی نبود، در ۹ مرداد ۱۳۸۵ (۲۰۰۶/۷/۳۱) با صدور قطعنامه غیرقانونی ۱۶۹۶ در شورای امنیت علیه فعالیت های صلح آمیز هسته ای ایران، تلاش کرد تا تعلیق را تحت ماده ۴۰ فصل ۷ منشور ملل متحد الزامی نماید.^۱ باید گفت که از همان روز نخست، آمریکایی ها قصد داشتند به هر صورت ممکن از رسیدن به توافق بین ایران و سایر طرف های مذاکره جلوگیری کنند. اروپایی ها نیز دچار یک اشتباه مهم و استراتژیک شدند و آن این که در برابر آمریکایی ها نتوانستند مقاومت کنند و بدون آن که به عواقب آن بیندیشند، زیاده خواهی کردند. در مقابل هر قدم مثبتی که ایران برمی داشت اروپایی ها عقب تر می رفتند، چون از این غافل بودند که موضوع هسته ای برای ایرانیان یک افتخار ملی است. اروپایی ها، تضمین ها را طوری می خواستند که با استقلال ملت

^۱ لازم به توضیح است که قطر به این قطعنامه رأی منفی داد.

ایران در تناقض بود. در این نباید تردید کرد که این کشورها با فناوری در ایران سازگاری نداشتند و این درحالی است که ایران همواره در طول تاریخ، تولید کننده علم بوده است. با وجود این که از همان ابتدا اهداف کشورهای اروپایی و آمریکا در استفاده از شورای امنیت و طرح موضوع هسته ای صلح آمیز ایران در این شورا آشکار بود، اما برای این که ایران به جامعه بین المللی ثابت کند که از هیچ تلاشی برای نشان دادن حسن نیت خود فروگذار نخواهد کرد، فرایند مذاکرات را پیگیری و ادامه داده و حتی به بسته پیشنهادی ۶ ژوئن ۲۰۰۶ اروپا پاسخ داد، بسته ای که از قبل اهداف از پیش طراحی شده است. در این زمینه، به دو مورد اشاره می شود:

- در اکتبر ۲۰۰۴ و دقیقاً در زمانی که سه کشور اروپایی متحد آمریکا به ظاهر مشغول مذاکره با ایران بودند، یک متن غیررسمی با عنوان «راه‌هایی برای بررسی برنامه هسته ای ایران در شورای امنیت سازمان ملل» توسط نمایندگی آمریکا در سازمان ملل توزیع شد. در این سند آمده است: «ایالات متحده همواره بر این عقیده بوده است که فعالیت های هسته ای ایران بایستی به شورای امنیت گزارش داده شود. شورای امنیت اقتدار حقوقی برای الزام ایران به توقف برنامه غنی سازی را دارا می باشد.»

- حتی، طرف های مذاکره کننده با ایران نیز رفتار مشابهی داشته اند. مدیر وقت سیاسی وزارت امور خارجه انگلستان (جان ساورز) در نامه مورخ ۱۶ مارس ۲۰۰۶ خود به هم‌تایان خویش در فرانسه، آلمان و آمریکا برنامه کشورش را تشریح نمود. وی، در این نامه آورده است: «... ما همچنین ممکن است مجبور شویم یکی از استدلال های ایرانیان که همواره می گویند تعلیق درخواستی داوطلبانه می باشد را از بین ببریم. ما می توانیم این کار را با الزامی کردن تعلیق داوطلبانه از طریق شورای امنیت انجام دهیم. من همانطور که قول داده بودم، یک متن کوتاه به عنوان محور مذاکره با روس ها و چینی ها را برای شما فرستادم. این متن بر این باور است که ما نمی توانیم روس ها و چینی ها را وادار به موافقت با تحریم ها در خلال ماه های آتی بنمائیم، بدون آن که به نحوی نشان دهیم تلاشی را برای همراه کردن ایرانی ها انجام داده ایم. در مقابل این که روس ها و چینی ها با یک قطعنامه فصل هفتم موافقت کنند، ما نیز در آن صورت می توانیم یک بسته پیشنهادی را تنظیم کنیم تا بتوان پیشنهاد جدید به ایرانیان ارائه کرد.»

با این وصف، می توان انگیزه ارائه بسته به اصطلاح تشویقی که - کمتر از سه ماه بعد از برنامه زمانی مدنظر انگلیس - در ۶ ژوئن ۲۰۰۶ به ایران ارائه شد را دریافت. همچنین مشخص می شود که چرا

آمریکا و سه کشور اروپایی هرگز زحمت مطالعه پیشنهادات مختلفی که از سوی جمهوری اسلامی ایران ارائه شد را به خود ندادند، زیرا از ابتدا مصمم به بهره برداری از شورای امنیت و تهدید ارجاع موضوع به آن و نیز سوء استفاده از تحریم ها به عنوان ابزار فشاری در جهت وادار ساختن ایران به رهاکردن حق خود در مورد فن آوری صلح آمیز هسته ای که توسط معاهده عدم اشاعه تضمین شده است، بودند.

با وجود این که بسته ۶ ژوئن دارای اشکالات اساسی به ویژه در زمینه الزامی کردن تعلیق با شروع مذاکرات و همچنین عدم اذعان به حق ایران برای غنی سازی و چرخه سوخت هسته ای بود و از سوی دیگر طرف مقابل اقدام به صدور قطعنامه ای نیز در شورای امنیت کرده بود، جمهوری اسلامی ایران براساس حسن نیت خود و طبق زمان بندی اعلام شده قبلی، در ۳۱ مرداد ۱۳۸۵ (۲۲ ژوئیه ۲۰۰۶) به این طرح پاسخ مفصلی داد و نقاط ضعف آن را مشخص و تمکیل کرد.

دبیر وقت شورای عالی امنیت در این رابطه چنین می گوید: «اولین بسته پیشنهادی را در سال ۸۵ صادر کردند و گفتند می خواهیم مذاکره کنیم. مذاکرات این بار در بروکسل آغاز شد. قرار بر ادامه مذاکره با سولانا بود که حادثه جنگ ۳۳ روزه رخ داد. در جنگ ۳۳ روزه ابتدا فکر می کردند کار حزب الله را ظرف چند روز تمام می کنند. در همان مقطع بود که کیسینجر در مقاله ای اعلام کرد که در شلوغی اوضاع خاورمیانه یک قطعنامه علیه ایران صادر کنید. ما با سولانا و ایوانف به صورت تلفنی مذاکره کردیم که یک مرتبه ظرف ۲۴ ساعت قطعنامه صادر شد. آقای سولانا با من تماس گرفت و گفت خرابکارها کار خود را انجام دادند. این رفتار و وضعیت کشورهای مدعی غربی است. مجدداً کوفی عنان به ایران سفر کرد و درخواست کرد پاسخ بسته پیشنهادی را بدهیم. با وساطت برخی کشورهای دیگر پاسخ بسته را دادیم، بعد هم قرار گذاشتیم. مذاکرات در وین آغاز شد. سپس در آلمان به مجموعه ای از مواردی که می توانست مبنای توافق اولیه شود رسیدیم. حتی روی کاغذ نوشتیم، اما پس از مدتی باز شیوه گذشته مدعیان گفت و گو آغاز شد. آقایان دائماً می گویند ایران پای میز مذاکره بنشیند، غافل از این که خودشان میز مذاکره را ترک می کنند. بعد رفتند به سمت صدور قطعنامه. تصورشان از این کار بود که ایران عقب نشینی می کند، اما اینگونه نشد و ایران در شرایط جدید قرار گرفت.^۱

جمهوری اسلامی ایران در پاسخ خود به موارد متعدد اشاره کرده است که اهم آن ها به شرح زیر می باشد:

^۱ اظهارات رئیس مجلس شورای اسلامی در مراسم سالگرد شبکه پرس. تی. وی، همان.

- معتقد است در پیشنهاد ۶ ژوئن ۲۰۰۶ نکاتی وجود دارد که برای تقویت و توسعه رویکرد تعاملی می تواند سازنده باشد.
- پیشنهاد ۶ ژوئن ۲۰۰۶ را دارای مبانی و ظرفیت های مفید برای توافق جامع و بلندمدت همکاری های دوطرف می داند. با این حال، سؤالات و ابهاماتی را نسبت به تضمین حقوق خود دارد که ضروری است در درون مذاکراتی سازنده، زمینه تفاهم کلی فراهم گردد.
- برای رفع نگرانی های طرفین در درون مذاکرات و روشن شدن ماهیت، ابعاد و چگونگی، سطوح، مدت و عمق موضوعات مطروحه در پیشنهاد از قبیل همکاری واقعی و عملی در توسعه برنامه انرژی هسته ای صلح آمیز شامل رآکتورهای آب و سنگین و آب سبک و اعمال حق ایران در دستیابی به انرژی هسته ای شامل چرخه سوخت و ادامه تحقیق و توسعه غنی سازی آمادگی دارد.
- برای همکاری بلندمدت در زمینه های امنیتی، اقتصادی، سیاسی و انرژی، برای نیل به امنیت پایدار در منطقه و امنیت درازمدت آمادگی دارد.
- جمهوری اسلامی ایران ایده محوری طرح را می پذیرد و همانگونه که همواره اعلام کرده است، دستیابی به تفاهم درون یک فرآیند مذاکراتی جامع به منظور حل و فصل اختلافات و دستیابی به زمینه های مبانی توسعه روابط و همکاری های همه جانبه و متقابل را تنها مسیر صحیح برخورد با این گونه مسائل دانسته و از آن استقبال می کند.
- انتخاب فرآیند مذاکره به عنوان روش حصول توافق و حل مسئله باید بر زمینه ای از اعتماد اولیه بنا شود. این موضوع، مستلزم مباحث و توافقاتی جامع است که طرح پیشنهادی توجه چندانی به آن نکرده است.
- جمهوری اسلامی ایران براساس تجارب و شواهد نسبت به صداقت حداقل بعضی از اعضای ۵+۱ در اعلام اراده برقراری روابط همه جانبه و مناسبات همکاریانه براساس احترام متقابل به شدت ظنین بوده و معتقد است این دولت ها باید تضمین ها، تعهدات و علامت هایی را ارائه کنند که نشان دهد در رویه گذشته خود تجدیدنظر کرده و دنبال محدود سازی ایران و یا کسب بهانه برای اقدامات خصمانه نیستند.
- در مورد تضمین های کافی نسبت به تعهدات و غیرقابل برگشت بودن آن ها، بحثی مطرح نشده است. این تضمین ها به ویژه در مورد دسترسی به فن آوری هسته ای و تجهیزات

پیشرفته هسته ای، ساخت و تکمیل نیروگاه ها، سوخت و انتقال دانش و فن آوری پیشرفته ضروری و تعیین کننده است.

- اصولاً، فرآیند مذاکره باید نقش پشتیبانی و تسهیل کنندگی برای فرآیند تعامل ایران و آژانس داشته باشد که فرآیند و مکانیسم اصلی حل و فصل مسئله است.

- بر جنبه مقابل موضوعات تأکید دارد، یعنی در هریک از محورهای دوطرف با اقدامات متقابل و مساعی مشترک باید در جهت پیشبرد کار تلاش نمایند. توازن مطالبات و اقدامات با هم و بین دو طرف، مسأله اساسی است.

- تأکید می کند که حل مسائل و تفاهم سازی وقتی امکان پذیر خواهد بود که همه طرف ما مطالبات و اقدامات خود را درچارچوب میثاق های مقبول بین المللی به ویژه معاهده عدم اشاعه محدود نمایند و هرگونه انتظارات و اقدامات فراتر از حدود مذکور فقط براساس تفاهم و اقناع متقابل و به صورت داوطلبانه می تواند صورت گیرد.

- از آنجا که موضوع غنی سازی و چرخه سوخت هسته ای با کاربرد صلح آمیز یکی از موضوعات مورد بحث بوده است، تهیه کنندگان بسته پیشنهادی باید روشن کنند آیا معاهده عدم اشاعه را به عنوان مبنای تعیین گستره این حق به رسمیت می شناسند یا خیر؟ و آیا برمبنای این پاسخ، فعالیت های چرخه سوخت و به ویژه غنی سازی هسته ای با کاربرد صلح آمیز را درون این گستره قائلند یا خیر؟

- اگر قرار شد مذاکره به عنوان روشی برای ایجاد توافق و تفاهم در نظر گرفته شود، ماهیتاً با طرح بحث در شورای امنیت مناقات دارد. بنابراین، توقف بحث در شورای امنیت و هرگونه روش دیگری که با اصل «حل و فصل از طریق مذاکره» منافات داشته باشد، امری بدیهی است.

- این که تعلیق فعالیت های هسته ای ایران در طول مذاکرات چه کمکی به شرائط و فضای مذاکره می کند، برای جمهوری اسلامی ایران معلوم نیست. متقابلاً، مشخص است که اصرار طرف مقابل بر این امر از این جهت که تمایلات و رفتار بعضی از طرف ها در محدودسازی و تضعیف جمهوری اسلامی ایران را تداعی می کند، به ویژه با یادآوری سوابق مذاکراتی با بعضی از طرف ها و سوابق خصومت آمیز برخی طرف های دیگر، مخل شرائط و فضای مناسب برای مذاکره است. گذاشتن پیش شرط های یک جانبه برای فرآیندی که قرار است با تفاهم و توافق جلو برود، منطقی به نظر نمی رسد.

در این پاسخ، همچنین به اقدامات متقابل طرفین برای رسیدن به یک توافق برای حل و فصل موضوع اشاره شده است. اما، طرف مقابل از این پاسخ استقبال نکرد و ضمن اصرار بر موضع یک جانبه خود مبنی بر ضرورت تعلیق به عنوان پیش شرطی برای شروع مذاکرات، به مسیر غلط خود ادامه داد.

شورای امنیت در تاریخ ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶ (۹ مرداد ۱۳۸۵) قطعنامه ۱۶۹۶ را تحت ماده ۴۰ منشور ملل متحد علیه فعالیت های صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران تصویب کرد. در این قطعنامه، شورا با تأکید بر قطعنامه های گذشته شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی و بیانیه پیشین خویش، از ایران تقاضا کرد که تمامی فعالیت های مرتبط با غنی سازی را به حالت تعلیق درآورد. اگرچه دولت های عضو سازمان ملل متحد طبق منشور (ماده ۲ (۵) و ماده ۲۵) باید با سازمان در اجرای تصمیمات ارگان های مختلف همکاری داشته باشند، با این حال درجه الزام دولت ها در متابعت از تصمیمات هریک از این ارگان ها در نظام حقوقی سازمان ملل متحد (از جمله تصمیمات شورای امنیت) تا حدود زیادی به مبنای صدور تصمیم ذی ربط بستگی دارد. بر این اساس است که به طور مثال قطعنامه های شورای امنیت طبق فصول ششم و هفتم از حیث الزام حقوقی با یکدیگر متفاوت هستند. لذا، به منظور تعیین آثار حقوقی قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت باید در اولین گام به توصیف مبنای صدور این قطعنامه پرداخت.

دولت ها به شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان یکی از ارکان اصلی سازمان، مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را محول نموده اند و در این راستا شورا طبق فصل های ششم و هفتم منشور از اختیاراتی برخوردار شده است. در عمل، شورای امنیت معمولاً در قطعنامه های خویش از ارجاع به ماده خاصی از منشور جهت تبیین صلاحیت خویش خودداری می ورزد و صرفاً به طرح خواسته های خود بسنده می نماید. البته، چنانچه شورا به دنبال اعمال اختیارات خویش طبق فصل هفتم (اقدامات قهری مواد ۴۱ و ۴۲ منشور) باشد، غالباً به این فصل اشاره می نماید. این رهیافت شورا در گذشته در مواردی موجب گردیده که میان اعضای شورا نسبت به تفسیر قطعنامه های صادره، اختلاف نظر وجود داشته باشد. این موضوع، به طور مثال در ارتباط با قطعنامه ۷۳۱ در خصوص حادثه لاکربی نمایان گردید.

در قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت در مورد موضوع هسته ای ایران شاهد آن هستیم که اعضای شورا با هدف کاستن از اختلاف در تفسیر قطعنامه، رهیافت دیگری را اتخاذ کرده و شورا مشخصاً به مبنای تصمیم خویش اشاره دارد. شورای امنیت در بند ۱۰ مقدماتی قطعنامه ۱۶۹۶ صراحتاً بیان

نمود که مبنای قطعنامه صادره، ماده ۴۰ از فصل هفتم منشور ملل متحد می باشد. به موجب ماده ۴۰ منشور، «شورای امنیت ممکن است به منظور جلوگیری از وخامت وضعیت، قبل از ارائه توصیه ها یا تصمیم گیری نسبت به اقدامات مذکور در ماده ۳۹، از طرف های درگیر بخواهد که اقدامات موقتی را که ضروری یا مطلوب تشخیص می دهد، رعایت نمایند. این اقدامات موقتی هیچ تأثیری بر حقوق، ادعاها یا موضع گیری طرف های درگیر ندارد. شورای امنیت بنابر اقتضاء قصور در رعایت این اقدامات موقتی را بررسی خواهد نمود.»

در این ارتباط، این سؤال مطرح است که آیا صدور قطعنامه ۱۶۹۶ طبق ماده ۴۰ دارای قدرت الزام آوری مشابه قطعنامه های صادره طبق فصل هفتم منشور ملل متحد می باشد؟ در پاسخ، به طور کلی می توان بیان داشت که گرچه شورای امنیت در این قطعنامه به ماده ای اشاره کرد که تحت فصل هفتم قرار دارد، با این حال نمی توان برای تمامی درخواست های مذکور در این تصمیم شورا در مفهوم خاص ارزشی معادل آن دسته از تصمیمات مبتنی بر فصل هفتم قائل گردید، چرا که به هنگام تصمیم گیری طبق فصل هفتم ضروری است شورا پیش از تصمیم گیری در خصوص اقدامات ضروری، تحقق یکی از شرایط مذکور در ماده ۳۹ منشور یعنی تهدید علیه صلح، نقض صلح و یا عمل تجاوز را مورد تأیید قرار دهد.

در بند ۹ مقدماتی قطعنامه ۱۶۹۶ گرچه شورا به مسئولیت اولیه خود طبق منشور (ماده ۲۴ منشور) در ارتباط با حفظ صلح و امنیت بین المللی اشاره نمود و نسبت به خطرات اشاعه برنامه هسته ای ایران ابراز نگرانی کرد، با وجود این شورا در این قطعنامه مشخصاً هیچ یک از وضعیت های ماده ۳۹ منشور را شناسایی و احراز ننمود. این تفسیر با در نظر گرفتن بند ۸ اجرایی قطعنامه مذکور نیز مورد تأیید قرار می گیرد. چرا که شورا معتقد بود به منظور اقدام طبق ماده ۴۱ در صورت عدم تبعیت ایران از درخواست شورا، تصمیم دیگری نیاز می باشد.

بین دو حالت صدور قطعنامه طبق ماده ۴۰ از فصل هفتم منشور ملل متحد و صدور قطعنامه طبق خود فصل هفتم منشور باید قائل به تفکیک گردید. از حیث حقوقی، بارزترین اثر این تفکیک به درجه تبعات قانونی تصمیم شورا باز می گردد. درحالی که قطعنامه های صادره طبق فصل هفتم براساس مواد ۴۱ و ۴۲ فقط چنانچه منطبق با منشور باشند برای تمامی اعضای سازمان لازم الإلتیاع بوده، قطعنامه های صادره با استناد به ماده ۴۰ منشور صرفاً با هدف جلوگیری از وخامت اوضاع صادر گردیده و علی الأصول فاقد آثاری قانونی همانند قطعنامه های الزام آور فصل هفتم برای دولت های مخاطب تصمیم شورا می باشند. بدین دلیل است که عبارت پایانی ماده ۴۰ منشور بر

این نکته تصریح دارد که اقدامات موقتی هیچ تأثیری بر حقوق، ادعاها یا موضع گیری طرف های درگیر در وضعیت نخواهد داشت.

دادگاه بین المللی کیفری یوگسلاوی سابق (ICTY) در جریان بررسی مشروعیت تصمیم شورای امنیت در صدور قطعنامه منتهی به تأسیس این دادگاه، به تفسیر ماده ۴۰ منشور پرداخت. به عقیده این دادگاه، اقدامات موقتی مذکور در ماده ۴۰ همانگونه که از عنوان آن ها مشخص است، با این هدف پیش بینی گردیده اند که همانند یک عملیات متوقف سازنده عمل نموده و دارای اثر توقف یا آرام بخشی باشند، بدون این که به حقوق ادعاها یا موقعیت طرف های درگیر خدشه ای وارد سازند. این اقدامات، بیشتر مشابه اقدامات ضربتی پلیس هستند تا فعالیت یک رکن قضائی که به موجب قانون حکم قضائی را صادر می نماید. به علاوه، عبارت پردازی ماده ۴۰ نشان می دهد که این چنین اقداماتی شامل اقدامات قهری نمی گردند (قبل از توصیه یا تصمیم گیری درخصوص اقدامات مندرج در ماده ۳۹) و این اقدامات موقتی تابع محدودیت های ماده ۲ پارگراف ۷ منشور بوده و مسأله الزام آور بودن یا توصیه ای بودن آن ها مورد مناقشه بسیاری می باشد.^۱

با عنایت به عبارت پردازی ماده ۴۰ منشور، می توان بیان داشت که معمولاً تصمیمات عادی شورا مبتنی بر ماده ۴۰ منشور الزامات قانونی در مفهوم تصمیمات فصل هفتم شورا را به دنبال نمی آورند، مگر این که چنین قصدی صراحتاً از عبارت پردازی قطعنامه صادره شورا آشکار گردد. در بند ۱۰ مقدماتی قطعنامه ۱۶۹۶ شورا مشخصاً اعلام داشت که هدف از صدور این سند «الزام آور نمودن تعلیق درخواستی توسط آژانس بین المللی انرژی اتمی است».^۲ درخواست اصلی مندرج در قطعنامه عبارت است از تعلیق تمامی فعالیت های مرتبط با غنی سازی و بازفرآوری، از جمله تحقیقات و توسعه (R&D) به گونه ای که توسط آژانس بین المللی انرژی اتمی راستی آزمایی شود (موضوع بند ۲ اجرایی قطعنامه ۱۶۹۶). اما، مهم ترین چالش در این است که چگونه شورای امنیت بدون احراز یک وضعیت به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی، مبادرت به ایجاد تعهد برای دولت ها می نماید. از این حیث، قطعنامه ۱۶۹۶ شورا غیرقانونی به شمار آمده و فاقد آثار قانونی می باشد. البته، همانگونه که برخی از دولت ها پیش از ارسال موضوع به شورا در برخی موارد اعتراف نموده بودند، هدف اصلی از اقدام در شورا الزام آور نمودن درخواست های

^۱ . International Tribunal For Former Yugoslavia (ICTY), Judgments, Prosecutor v. Dusko Tadic , Case IT - ۹۴-۱ , ۲ October ۱۹۹۵ , Para. ۳۳.

^۲ . To Make Mandatory the Suspension required by the IAEA.

غیر حقوقی و غیرالزام آور بوده است. بر این اساس، صدور قطعنامه ۱۶۹۶ را صرفاً می بایست به عنوان نوعی استفاده ابزاری از شورای امنیت تلقی نمود.

در ۴ شهریور ۱۳۸۵ (۲۰۰۶/۸/۲۶) مجتمع تولید آب سنگین در اراک راه اندازی شد. در کمتر از ۵ ماه پس از دستیابی به چرخه کامل سوخت هسته ای، دستیابی به فن آوری تولید آب سنگین گام دیگری در مسیر تعالی و توفیق ملت ایران بود. مجتمع تولید آب سنگین اراک در ۴ شهریور ۱۳۸۵ توسط دکتر احمدی نژاد افتتاح شد. با گشایش این واحد صنعتی، ایران به عنوان نهمین کشور دارای تجهیزات تولید آب سنگین جهان محسوب می شود.

در ماه سپتامبر ۲۰۰۶ نیز شاهد ادامه مذاکرات در عرصه سیاسی هستیم. در ۱۸ شهریور ۱۳۸۵ (۲۰۰۶/۹/۹) هیات جمهوری اسلامی ایران با سولانا در وین مذاکره نمود. دکتر لاریجانی درخصوص این مذاکرات که دو روز به طول انجامید، گفت: مذاکرات مثبت و سازنده ای بود و ادامه خواهد یافت و اگر با همین اصول ادامه یابد، ممکن است به نتایجی برسیم. در مذاکرات درباره موضوعات مختلف از جمله بسته ۶ ژوئن غرب و پاسخ ایران به آن و همچنین روند آینده مذاکرات، چگونگی و سطح برگزاری آن و دستورکار مذاکرات گفتگو شد. دکتر لاریجانی همچنین اظهار داشت که درباره موضوعات مورد بحث و اختلاف می توان درون مذاکرات گفتگو کرد، ولی مسأله اول بافتن راه حل برای مسائل است تا بعد بتوان درباره هرگونه مسأله، پاسخ منطقی داد. سخنگوی سولانا نیز این مذاکرات را مثبت و سازنده خواند و گفت مذاکرات ادامه خواهد یافت. در ۱۹ شهریور ۱۳۸۵ (۲۰۰۶/۹/۱۰) نیز دکتر لاریجانی پس از مذاکرات با سولانا، با مدیرکل آژانس بین المللی اتمی دیدار و گفتگو کرد. وی، درخصوص گفتگوهای خود با البرداعی گفت: ما با آژانس به عنوان یک مرجع اصلی حل و فصل مسائل هسته ای باید ارتباط دائمی داشته باشیم و لازم است با مدیرکل آژانس نیز رایزنی هایی داشته باشیم تا ایشان هم در جریان مسائل و تحولات قرار گیرند و هم در حل مسائل فیما بین بتوانیم به راه حل هایی برسیم.

مذاکرات با سولانا در ۵ مهر ۱۳۸۵ (۲۰۰۶/۹/۲۷) در برلین ادامه یافت. این مذاکرات طی دو روز و در سه دور فشرده برگزار گردید. دکتر لاریجانی در خصوص این دور از مذاکرات اظهار داشت: مذاکرات مثبت و سازنده ای بود و برخی پیشرفت های تازه در گفتگوها حاصل شده است. سولانا نیز با اذعان به این که پیشرفت هایی در گفتگوها حاصل شده است، گفت مذاکرات ادامه خواهد یافت. متعاقباً اعلام شد که طرفین در این مذاکرات به یک تفاهم ۱۱ بندی برای حل موضوعات

دست یافتند که متأسفانه آمریکا و کشورهای غربی با سلب اختیار از سولانا، مانع از پیگیری این تفاهم شدند.

در ۲۵ شهریور ۱۳۸۵ (۲۰۰۶/۹/۱۶) نیز کنفرانس سران کشورهای عدم تعهد در هاوانای کوبا در حمایت از برنامه هسته ای ایران مبادرت به صدور یک بیانیه نمود. در این بیانیه، بر اصول بیانیه وزرای امور خارجه جنبش که در ۹ خرداد ۱۳۸۵ (۲۰۰۶/۵/۳۰) صادر شد، تأکید گردید.

در اجلاس سپتامبر ۲۰۰۶ شورای حکام، گزارش مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی درخصوص اجرای موافقت نامه پادمان در جمهوری اسلامی ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفت. آقای البرادعی در این گزارش ضمن اذعان به این که ایران دسترسی آژانس به مواد، تجهیزات و گزارش های درخواستی آن را تأمین نموده است، اعلام کرد موضوعات باقی مانده هنوز باز هستند و حل و فصل نشده اند. در این گزارش، یک موضوع باقی مانده جدید نیز مطرح شد و آن درخصوص آلودگی یکی از تجهیزات یک دانشگاه فنی در تهران بود که البرادعی اظهار داشت نتایج نمونه برداری های انجام شده در ژانویه ۲۰۰۶ حاکی از آلودگی این تجهیزات است که از نظر آژانس به ارقام دو منظوره ای که مرکز تحقیقات فیزیک درصدد تهیه آن ها بود، مرتبط است.

نماینده جمهوری اسلامی ایران با قرائت بیانیه ای با استناد به این که طبق گزارش های مکرر آژانس هیچ انحرافی در مواد و فعالیت های هسته ای اظهار نشده در ایران وجود ندارد، علت روند آرام در حل و فصل موضوعات باقی مانده را اقدام سیاسی چند کشور خاص در ارسال موضوع هسته ای به شورای امنیت و به تبع آن قطع اجرای اقدامات داوطلبانه از سوی جمهوری اسلامی ایران برابر مصوبه مجلس شورای اسلامی دانست. در این بیانیه از شورای حکام خواسته شد که موضوع هسته ای را به طور کامل به چارچوب آژانس برگرداند. نماینده جمهوری اسلامی ایران همچنین از کشورهای طرف مذاکره با ایران خواست که پاسخ ایران به بسته ۶ ژوئن ۲۰۰۶ را به طور جدی و با دقت مطالعه و بررسی نمایند و بدون پیش شرط و بدون تأخیر به میز مذاکرات بازگردند.

نماینده جنبش عدم تعهد نیز بیانیه صادره از سوی وزرای امور خارجه این جنبش در حمایت از برنامه هسته ای جمهوری اسلامی ایران در پوتراجایای مالزی (مه ۲۰۰۶) را در این اجلاس قرائت نمود. در پایان نیز رئیس شورای حکام با ارائه یک جمع بندی از مباحث مطرح شده در خصوص موضوع هسته ای جمهوری اسلامی ایران، به این موضوع خاتمه داد.

۱. گزارش مدیرکل آژانس در خصوص اجرای موافقت نامه پادمان در ایران^۱

الف) تعلیق فعالیت های مرتبط با غنی سازی و بازفرآوری

ایران آزمایش سانتریفوژ p۱ را در کارخانه آزمایشی غنی سازی سوخت ادامه داده است. در تاریخ ۲۴ اوت ۲۰۰۶، تزریق UF₆ به آبشار ۱۶۴ دستگاهه شروع شد. در ژوئن ۲۰۰۶ ایران اعلام نمود که به غنی سازی ۵ درصدی U₂₃₅ در یک آزمایش انجام شده در آبشاره ۱۶۴ دستگاهه دست یافته است. ایران نتایج اندازه گیری از طیف نمای جرمی را که این مطلب را تأیید می کرد ارائه نمود. آژانس نتایج نمونه گیری های محیطی را جمع آوری نمود که هنوز نتایج این نمونه گیری ها مشخص نشده است. در ۳۰ ژوئن ۲۰۰۶ ایران برخی اطلاعات درخصوص تجزیه شیمیایی و عیارسنجی محصول را به آژانس ارائه نمود که آژانس هم اکنون درحال ارزیابی آن می باشد. نصب دومین آبشار ۱۶۴ دستگاهه درحال انجام است. در تاریخ اوت ۲۰۰۶ آژانس برای نظارت بر این آبشار، دوربین های اضافی نصب کرد. در ۲۶ جولای ۲۰۰۶ راستی آزمایشی اطلاعات طراحی در کارخانه آزمایشی در نطنز، محلی که کارهای ساختمانی درحال انجام می باشد، صورت پذیرفت. در فاصله زمانی ۱۱ تا ۱۶ اوت ۲۰۰۶ بازرسان از ایران بازدید نمودند. بین ۲۶ تا ۳۰ اوت ۲۰۰۶ ایران اجازه داد که آژانس برای راستی آزمایشی اطلاعات طراحی آزمایشی غنی سازی در نظر و دیگر تأسیسات ذکر شده در بالا دسترسی داشته باشد. آژانس به نظارت بر استفاده از سلول های داغ در رآکتور تحقیقاتی تهران و تأسیسات تولید مولیبدنیوم، ید و رادیوایزوتوپ زنون و ساخت سلول های داغ در IR-۴۰ از طریق بازرسی، راستی آزمایشی اطلاعات طراحی و تصاویر ماهواره ای ادامه داده است. هیچگونه علائمی از فعالیت های بازفرآوری در ایران مشاهده نشده است.

ب) رآکتور تحقیقاتی آب سنگین

در ۱۲ ژوئیه و ۳۰ اوت ۲۰۰۶، آژانس راستی آزمایشی اطلاعات طراحی را در رآکتور IR-۴۰ در اراک انجام داد. ساخت تأسیسات درحال انجام است.

ج) موضوعات باقیمانده

^۱ Gov/۲۰۰۶/۵۳، ۳۱ August ۲۰۰۶.

همانطور که در گزارش مدیرکل در آوریل ۲۰۰۶ مشخص شد، در آوریل ۲۰۰۶ آژانس از ایران نامه ای دریافت نمود که در آن بیان شده در صورت برگشت پرونده هسته ای از شورای امنیت به آژانس و مشروط به این که پرونده هسته ای ایران به طور کامل در چارچوب آژانس و زیر نظارت پادمان آن باقی بماند، در این رابطه ایران یک چارچوب زمانی را برای حل و فصل موضوعات باقی مانده که در گزارش مدیرکل (GOV / ۲۰۰۶/۱۵) مورخ ۲۷ فوریه ۲۰۰۶ ذکر شده براساس قوانین و هنجارهای بین المللی طی سه هفته آینده ارائه خواهد نمود. یک چنین چارچوب زمانی هنوز ارائه نشده است.

د) خلاصه

- ایران تاکنون دسترسی به مواد و تجهیزات هسته ای و گزارش های مورد درخواست را تأمین نموده است.
- ایران در مورد مسائل و موضوعات باقی مانده به راستی آزمائی نپرداخته است. ایران فعالیت های مرتبط با غنی سازی را تعلیق نکرده و مطابق مفاد پروتکل الحاقی عمل ننموده است.
- آژانس به بررسی های خود پیرامون کلیه موضوعات باقی مانده مرتبط با فعالیت های هسته ای ایران ادامه خواهد داد.

۲. بیانیه جمهوری اسلامی ایران در شورای حکام^۱

آقای رئیس، نمایندگان محترم

در ابتدا مایلم حمایت خود را از بیانیه ارائه شده از سوی سفیر محترم مالزی به نمایندگی از سوی کشورهای عدم تعهد ابراز نمایم.

جمهوری اسلامی ایران به معاهده NPT متعهد بوده و پادمان جامع را در همکاری کامل با آژانس اجراء کرده است. همانگونه که قبلاً هم گفتیم و گزارش های آژانس نیز تأیید می کند، برنامه ها و فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی ایران صرفاً دارای مقاصد صلح آمیز است. در این زمینه باید یادآوری کنم آژانس بعد از انجام بیشتر از ۲۰۰۰ نفرروز بازرسی سخت گیرانه، چندین بار به شورای حکام گزارش داده است که هیچ شواهدی مبنی بر انحراف مواد و فعالیت های هسته ای به سمت اهداف ممنوعه و نظامی پیدا نکرده است و تمام مواد هسته ای اظهارشده نیز مورد حسابرسی قرار گرفته است.

علیرغم قطعنامه غیرقابل توجیه شورای امنیت سازمان ملل، اجرای پادمان جامع و به ویژه بازرسی ها همچنان ادامه یافته است. در این ارتباط، همه فعالیت های هسته ای صلح آمیز تحت نظارت و به خصوص زیرنظر دوربین های آژانس قرار دارند. قابل توجه است که حتی دوربین های اضافی دیگری در طول بازرسی اخیر نصب شده اند. این خود بهترین دلیل است که ایران متعهد است جامعه بین المللی را مطمئن کند که فعالیت های هسته ای اش صرفاً دارای اهداف صلح آمیز بوده و خواهد بود. با یادآوری نکات بالا، باید تأکید کنم فرستادن موضوع هسته ای ایران به شورای امنیت آن هم صرفاً به دلیل ازسرگیری فعالیت های تحقیق و توسعه که داوطلبانه تعلیق شده بود و همچنان هم تحت نظارت کامل پادمان و آژانس است، هیچ مبنای حقوقی و فنی نداشت و دلیل آن نه امر راستی آزمائی، بلکه برخی تحریکات سیاسی بود که به طور جدی اعتبار حرفه ای آژانس را نادیده گرفت.

روند آرام حل و فصل برخی مسائل باقیمانده مندرج در گزارش اخیر مدیرکل نباید تعجب برانگیز باشد، بلکه آن را بایستی در پرتو تصمیم غلط برخی از اعضای شورای حکام ارزیابی کرد. چرا که یک موضوع صرفاً فنی را از چارچوب سازمان فنی و حرفه ای و مرتبط آن خارج کرده و به نهادی سیاسی و امنیتی یعنی شورای امنیت فرستادند. بدین ترتیب، دولت جمهوری اسلامی ایران هیچ انتخاب دیگری نداشت، مگر آنکه اقدامات داوطلبانه مثل اجرای موقت پروتکل الحاقی و حتی اقدامات فراتر از آن را

^۱ این بیانیه توسط علی اصغر سلطانی، سفیر و نماینده جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان های بین المللی در وین قرائت شده است.

براساس قانونی که در پارلمان به تصویب رسیده بود، متوقف کند. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران مجبور به اجرای پادمان جامع می باشد.

جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد ارائه شده به وسیله شش کشور را به عنوان گام مثبتی برای تصحیح اشتباهی که مرتکب شدند، تفسیر نمود. ایران به عنوان حسن نیت اعلام داشته بود که به طور جدی آن مجموعه را مورد مطالعه قرار می دهد و پاسخ خود را در زمان مقتضی خواهد داد. در حالی که دولت ایران در فرآیند مطالعه همه ابعاد آن مجموعه و تهیه پاسخ معطوف به آینده بود، تصمیم عجولانه برای تصویب قطعنامه شورای امنیت که توسط برخی کشورها اتخاذ شده بود، موجب ناامیدی اکثریت اعضا و در نهایت جامعه بین المللی گردید، زیرا مسیر را به سمت تقابل منحرف می کرد. اما جمهوری اسلامی ایران از تقابل پرهیز کرد و بار دیگر اراده سیاسی خود را با ارائه پاسخ در تاریخ اعلام شده قبلی یعنی ۲۲ اوت ۲۰۰۶ نشان داد. در این ارتباط، جامعه بین المللی انتظار دارد تا طرف‌های دیگر پاسخ جمهوری اسلامی ایران را با جدیت مورد توجه قرار دهند. این پاسخ، اکثر نگرانی‌های مطرح شده به وسیله طرف‌های دیگر را مورد توجه قرار داده است. ما معتقدیم اگر اراده سیاسی در طرف دیگر وجود داشته باشد، این پاسخ می‌تواند بهترین مبنائی باشد که راه را برای حل فوری موضوع از طریق گفتگو و مذاکره و پرهیز از تقابل هموار کند.

در این زمینه، اخیراً آقای دکتر لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران با آقای سولانا، مسئول عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا در وین ملاقات کرد. در این ملاقات، ابعاد مختلف پیشنهاد مذکور و پاسخ اخیر ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفت. به نظر ما، این جلسه گام مثبتی در مسیر درست بود. استمرار گفتگو و مذاکرات بدون هرگونه تهدید، فشار یا هر پیش شرطی می‌تواند مسیر رفع تمام ابهامات را در صورت وجود، هموار سازد. جمهوری اسلامی ایران آماده چنین فرآیندی می باشد و طرف‌های دیگر را دعوت می‌کند به صورت مثبت این مسیر را پیگیری نمایند. مسیری که سرانجام به یک راه حل عادلانه و مرضی طرفین منجر شود.

جامعه بین المللی با دقت نظاره‌گر تحولات این مقطع تاریخی می باشد. نگرانی جدی موضوع هسته ای ایران نیست، بلکه محروم کردن یک عضو NPT از حقوق غیرقابل انکار خود در دستیابی به فناوری هسته‌ای برای به کار بردن انرژی هسته ای صلح آمیز به عنوان بدعتی جدید و الگویی که ممکن است در آینده نسبت به دیگر کشورها اعمال گردد، می باشد. جهان شاهد اقدامات سختی علیه یک عضو متعهد NPT است، درحالی که یکی دیگر که عضو هم نیست یعنی رژیم اسرائیل، از هرگونه بازرسی آزاد است و شورای حکام هیچ سؤالی از او به عمل نمی آورد و حتی به خاطر عدم پذیرش

NPT و عدم پایبندی به بیش از ۲۵ قطعهنامه شورای امنیت سازمان ملل و کنفرانس عمومی آژانس، پاداش هم می‌گیرد. این استاندارد دوگانه و تبعیض آمیز نمی‌تواند بیشتر از این تحمل شود. نگرانی جدی دیگر، اعتبار و موفقیت آژانس به عنوان تنها نهاد بین‌المللی دارای صلاحیت حقوقی و فنی در امر بازرسی در امور هسته‌ای است که این اعتبار با درگیر کردن شورای امنیت خدشه دار شده است. در خاتمه، ما از کشورهای عضو آژانس توقع داریم این فرصت استثنائی را مغتنم شمرده و در این موقعیت تاریخی، موارد زیر را پیگیری نمایند:

۱. پرونده هسته‌ای ایران را به طور کامل به چارچوب آژانس برگردانند که در حقیقت متعلق به همین نهاد می‌باشد.

۲. کشورهای ذی‌ربط را ترغیب کنند تا پاسخ ایران به مجموعه یادشده را به طور جدی مورد بررسی قرار دهند.

۳. از آنها مصرانه خواسته شود تا بدون هیچ پیش شرط و بدون تأخیر، مذاکرات را به منظور پرداختن به نگرانی‌های همه اعضا و دستیابی به یک راه حل مسالمت آمیز بلندمدت آغاز نمایند.

۳. بیانیه عدم تعهد در شورای حکام

آقای رئیس

۱. افتخار دارم این بیانیه را به نیابت از سوی گروه نم قرائت نمایم.
۲. ما نیز مراتب قدردانی گروه نم از مدیرکل و دبیرخانه را به خاطر گزارش به شورای حکام در مورد اجرای موافقت نامه پادمان ان.پی.تی در جمهوری اسلامی ایران مندرج در سند Gov / ۲۰۰۶ ۶/۵۳ مورخ ۳۱ اوت ۲۰۰۶ ابراز می نمایم.
۳. همانگونه که شورای حکام ممکن است به یاد بیاورد، در جریان آخرین اجلاس شورا در ژوئن ۲۰۰۶، نم بیانیه خود را درخصوص این ماده از دستورکار بر اساس بیانیه مصوب در کمیته هماهنگی وزرای جنبش عدم تعهد در اجلاس پوتراجایی مالزی در می ۲۰۰۶ قرائت نمود.
۴. نم خرسند است که می بیند ایران، امکان دسترسی آژانس به مواد و تأسیسات هسته‌ای را فراهم نموده و گزارش های مورد درخواست را ارائه کرده است. نم توجه می نماید که آژانس به فعالیت خود در زمینه حل و فصل موارد باقیمانده در ارتباط با برنامه هسته ای ایران ادامه خواهد داد. در این ارتباط، نم ایران را ترغیب به ادامه همکاری فعال و کامل با آژانس در چارچوب اختیارات آژانس برای حل و فصل موضوعات باقیمانده در جهت اعتمادسازی و حل و فصل مسالمت آمیز مسئله می نماید.
۵. نم گزارش مدیرکل مندرج در سند Gov / ۲۰۰۶/۱۵ مورخ فوریه ۲۰۰۶ را که می گوید تمام مواد هسته ای اظهارشده در ایران مورد محاسبه قرار گرفته و آژانس هیچ نشانه ای از انحراف چنان موادی به سمت فعالیت های ممنوعه مشاهده نکرده است را مورد توجه و یادآوری قرار می دهد.
۶. نم تأکید می نماید که تمام موارد مربوط به پادمان و راستی آزمایی از جمله مسائل مربوط به ایران باید در چارچوب آژانس حل و فصل و مبتنی بر جنبه های فنی و حقوقی باشد. نم بر این باور است که تمام طرف های مراجع بین المللی ذی ربط باید از هر اقدامی که ممکن است به تشدید وخامت اوضاع بیانجامد، اجتناب نمایند.
۷. نم توجه می نماید که ۶ کشور، بسته پیشنهادی خود را به ایران ارائه نموده‌اند و از این واقعیت استقبال می نماید که ایران تا تاریخی که اعلام کرده به این بسته پاسخ داده است. نم از طرف های ذی ربط می خواهد از اتخاذ تصمیمات شتاب زده اجتناب و به تمام پیشنهادات از جمله

پاسخ ایران با توجه به یافتن یک راه حل مشترک از طریق مذاکره بدون هیچ گونه پیش شرط در راستای نیل به یک راه حل مسالمت آمیز و مرضی الطرفین، توجه جدی نمایند. نم در این ارتباط یادآوری می نماید که مکرراً اعلام کرده است که دیپلماسی و گفتگو باید با هدف یافتن یک راه حل درازمدت برای مسئله هسته ای ایران از طریق مسالمت آمیز ادامه یابد.

۴. جمع‌بندی رئیس شورای حکام

شورا، گزارش مدیر کل آژانس درخصوص اجرای موافقت‌نامه پادمان NPT در جمهوری اسلامی ایران مندرج در سند Gov/۲۰۰۶/۵۳ را مدنظر قرار داد. شورا قدردانی خود را از مدیرکل و دبیرخانه به خاطر کار حرفه‌ای و بی‌طرفانه در رابط با این موضوع ابراز داشت.

برخی از اعضاء ابراز تأسف کردند که برخلاف قطعنامه‌های شورای حکام و شورای امنیت، هیچ پیشرفتی در رابطه با روشن شدن مسائل باقی مانده مربوط به محدوده و ماهیت برنامه هسته‌ای ایران حاصل نشده است و ایران دسترسی آژانس به اطلاعات و اشخاص و دیگر اقدامات شفاف ساز مورد نیاز برای روشن کردن این موضوعات را فراهم نکرده است.

آن‌ها ابراز تأسف عمیق کردند که ایران تکالیف خود تحت قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت و درخواست‌های شورای حکام در رابطه با تعلیق فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی، تجدیدنظر در ساخت رآکتور تحقیقاتی آب سنگین و اجرای داوطلبانه مفاد پروتکل الحاقی را انجام نداده است.

آن‌ها اظهار داشتند که کیفیت همکاری کاهش پیدا کرده و از ایران خواستند شفافیت کامل را برای آژانس فراهم نمایند و اقدامات درخواستی شورای حکام و قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت را به منظور ایجاد اطمینان نسبت به ماهیت منحصراً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود اجراء نمایند.

برخی اعضاء، تمایز بین اقدامات اعتمادساز داوطلبانه و تعهدات پادمانی الزام‌آور را مجدداً بیان کردند. حق اساسی و غیرقابل انکار تمامی اعضاء برای توسعه انرژی هسته‌ای جهت مقاصد صلح‌آمیز در مطابقت با تعهدات حقوقی مربوطه آنان، مورد تکرار قرار گرفت. آن‌ها ارزیابی دبیرخانه را که تمامی مواد هسته‌ای اظهارشده در ایران حسابرسی شده، مورد توجه قرار دادند. آن‌ها به رسمیت شناختند که کار آژانس در مورد راستی آزمایشی صحیح بودن و کامل بودن اظهارنامه‌های ایران، درحال انجام است. آن‌ها ایران را تشویق کردند که به طور فعال و کامل به همکاری خود با آژانس درچارچوب مأموریت آن برای حل و فصل موضوعات باقی مانده ادامه دهد.

مورد تأکید قرار گرفت که آژانس تنها نهاد ذیصلاح برای راستی‌آزمایی هسته‌ای است و باید به کار خود درجهت حل و فصل موضوع هسته‌ای ایران ادامه دهد. نیاز مداوم به مذاکرات و گفتگو در میان تمامی اعضاء به نحوی که تمامی موضوعات مرتبط را پوشش دهد، به عنوان تنها راه حصول به حل و فصل مسألت آمیز موضوع هسته‌ای ایران مورد تأکید قرار گرفت. بسته پیشنهادی شش کشور و پاسخ به آن، در این رابطه مورد توجه قرار گرفت. از تلاش‌های اخیر در این رابطه شامل جلسات بین‌نماینده عالی اتحادیه اروپا و دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران،

قدردانی گردید. برخی اعضاء بر اهمیت ایجاد منطقه خاورمیانه عاری از سلاح هسته ای تأکید کردند.

شورا از مدیر کل آژانس درخواست کرد که آن را از تحولات به نحو مقتضی مطلع نماید.

۵. پاسخ جمهوری اسلامی ایران به برخی نکات مطرح شده در شورای حکام^۱

آقای رئیس

بر خود لازم می دانم تا تشکر دولت خود را نسبت به حمایت ارزشمند اکثریت کشورهای عضو به ویژه کشورهای عضو جنبش عدم تعهد از حل و فصل مسالمت آمیز موضوع از طریق گفتگو و مذاکره و نیز درخواست برای خارج شدن موضوع هسته‌ای از دستورکار شورای امنیت سازمان ملل و بازگشت آن به آژانس اعلام نمایم.

ایرانی ها به ادب مشهورند و هیچ پرسشی را بی پاسخ نمی گذارند. بنابراین، برخود لازم می دانم تا به سئوالات و ابهامات و همچنین اتهامات مطرح شده از سوی نماینده آمریکا پاسخ گویم. این که آمریکا درباره شکل گیری اجماع بین المللی جهت بازیافتن یک راه حل مذاکراتی برای مسئله هسته ای ایران و منزوی شدن خود به خاطر سیاست یکجانبه گرائی اش به شدت نگران می باشد، چندان جای شگفتی ندارد. در آستانه مذاکرات جناب آقای سولانا (نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا) و جناب آقای دکتر لاریجانی (دبیر شورای عالی امنیت ملی) که با استقبال قریب به اتفاق کشورها مواجه شد، ایالات متحده با تکرار اتهامات بی اساس، فضا را مسموم کرد. اگر نماینده آمریکا اجازه دهد من کاملاً آماده هستم تا در یک نشست بدون محدودیت برای شرکت کنندگان، مرور جامعی به کلیه جنبه های فنی، حقوقی، امنیتی و سیاسی موضوع در یک مناظره با سفیر آمریکا به عمل آورم تا به شورای حکام، تمامی کشورهای عضو و به طور کلی جامعه بین المللی اثبات نمایم که این اتهامات بی اساس هستند و جمهوری اسلامی ایران قربانی بی توجهی تبعیض آمیز استانداردهای دوگانه شده است. اجازه دهید با توجه به کمی وقت، به تعدادی از این موارد اشاره نمایم:

- در برنامه ۲۸ آوریل ۲۰۰۶ ما آمادگی خود را برای ارائه یک جدول زمانی سه هفته ای جهت رسیدگی به مسائل باقیمانده اعلام کردیم، به شرط این که پرونده هسته ای ایران به طور کامل در چارچوب آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار گیرد. از اینرو، این ادعای نماینده ایالات متحده در ارتباط با تأخیر در ارائه جدول زمانی موجه نیست.
- نقل قول از معاون مدیرکل در یک نشست غیررسمی بسیار آزاردهنده است، چرا که وی آغاز اظهاراتش گفت تنها باید گزارش مکتوب به عنوان مبنا قرار گیرد.

^۱ این بیانیه توسط علی اصغر سلطانی، سفیر و نماینده جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان های بین المللی در وین قرائت شده است.

- نماینده ایالات متحده ادعا کرد که ایران می تواند با استفاده از اورانیوم طبیعی تولیدشده ۴۰ مپ هسته ای بسازد. من یادآوری می نمایم که سال گذشته نماینده آمریکا موضوع مشابهی را مطرح ساخت. با این ادعا که ایران می تواند دو انفجار هسته ای را با استفاده از ۲۰۰۰ مگنت انجام دهد! مگنت هایی که قیمت آنها تنها چند دلار است و یکی از ۹۰ قطعه تشکیل دهنده دستگاه سانتریفیوژ می باشد. قطعه ای که ایران تنها سفارش خرید آنها را داده بود و حتی هنوز دریافت نکرده بود!

اینها نکات تاریکی در عملکرد فنی حرفه ای آژانس بین المللی انرژی اتمی می باشد. دنیا باید بداند که ایالات متحده تحریم را به عنوان دیپلماسی می داند و به همان طریق تهاجم یک جانبه به عراق را به عنوان دیپلماسی چند جانبه اعلام کرده است. تصمیم برای ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل برپایه یک چنین انگیزه های بی پایه و غیرفنی صورت گرفت، نه به دلیل این که مواد هسته ای به سوی فعالیت های ممنوعه منحرف شده بودند.

آقای رئیس، نمایندگان محترم

آژانس بین المللی انرژی اتمی از زمان شکل گیری اش به عنوان یک سازمان فنی و مستقل بین المللی تاکنون تا این حد تضعیف نشده بود. اکنون شورای امنیت سازمان ملل دستور می دهد که آژانس و مدیرکل آن چه چیزی را و چه موقع باید آماده کنند. حالا بهتر می فهمیم که چرا آمریکا آژانس را به عنوان سگ نگهبان یا دیده بان (watchdog) سازمان ملل یاد می کند. این موضوع باید هرچه سریعتر توسط کشورهای عضو به طور جدی مورد توجه قرار گیرد، قبل از آن که خیلی دیر شود و آژانس اعتبار باقیمانده اش را نیز از دست بدهد.

۶. بیانیه شورای عالی امنیت ملی در خصوص موضوع هسته ای^۱

نظر به موارد ذیل:

الف) جمهوری اسلامی ایران طبق برنامه مصوب و برای تأمین و تولید ۲۰ هزار مگاوات برق هسته ای در ۲۰ سال آینده، تولید بخشی از سوخت هسته ای را داخل برنامه ریزی کرده و تلاش می کند سوخت مورد نیاز خود را تأمین نماید.

ب) جمهوری اسلامی ایران همواره به تعهدات خود تحت معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای (ان.پی.تی) پایبند بوده و فعالیت هایی که تا به حال انجام داده، بر اساس حقوق مصرح و مسلم خود در ان.پی.تی مبنی بر استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای بوده است و فراتر از حقوق پیش بینی شده در ان.پی.تی که سایر کشورها از آن برخوردارند، مطالبه نمی نماید.

ج) جمهوری اسلامی ایران ظرف بیش از سه سال گذشته با آژانس بین المللی انرژی اتمی همکاری کامل تحت پادمان جامع هسته ای و اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی و حتی فراتر از آن به عمل آورده و در این راستا، امکانات انجام حدود ۲۰۰۰ نفر روز بازرسی و بیش از ۵۳ مورد بازرسی تکمیلی از مکان های مختلف در ایران را فراهم ساخته است. همچنین کلیه فعالیت ها و تأسیسات هسته ای ایران تحت نظارت آژانس قرار داشته است.

د) طبق گزارش های آژانس، هیچگونه مواد هسته ای اظهار نشده در ایران وجود نداشته و کلیه مواد هسته ای ایران به آژانس بین المللی انرژی اتمی اظهار شده و مورد حسابرسی و محاسبه آژانس قرار گرفته و همچنین عدم انحراف فعالیت های هسته ای ایران به سوی سلاح هسته ای صراحتاً توسط آژانس اعلام گردیده است.

ه) همانگونه که مدیرکل آژانس اعلام داشته، تأیید آژانس بر فقدان وجود فعالیت ها و مواد هسته ای اظهار نشده در هر کشوری، فرآیندی زمان بر است و مختص به جمهوری اسلامی ایران نیز نمی باشد، بلکه این وضعیتی است که شامل ۴۶ کشور از جمله ۱۴ کشور اروپای غربی نیز می شود.

و) مباحثی که در خصوص نگرانی های جامعه بین المللی نسبت به فعالیت های هسته ای ایران مطرح می شود، نگرانی تعداد معدودی از کشورها می باشد. بیانیه وزرای امور خارجه ۱۱۶ کشور عدم تعهد در مالزی، بیانیه وزرای خارجه ۵۷ کشور سازمان کنفرانس اسلامی در آذربایجان، بیانیه گروه دی هشت در حمایت از فعالیت های صلح آمیز هسته ای ایران، گواهی بر مخالفت بخش عظیمی از جامعه

^۱ INFCIRC/۶۷۸, ۲۱ JULY ۲۰۰۶.

بین‌المللی با روند تبعیض‌آمیز و نگرانی از ایجاد یک رویه نامشروع در محروم ساختن اکثریت کشورها از دستیابی به فن‌آوری‌های صلح‌آمیز هسته ای است.

بر این اساس:

۱. جمهوری اسلامی ایران کاملاً به یافتن راه حل مذاکراتی از طریق مسیر دیپلماسی متعهد است و آماده مذاکره هدفمند و با زمانبندی مشخص مورد رضایت طرفین است.
۲. جمهوری اسلامی ایران از ابتدا با دریافت بسته پیشنهادی، از ابتکار جدید استقبال کرده و با نگاهی مثبت و در درون کمیته‌های کارشناسی داخل کشور به بررسی جدی بسته پیشنهادی اقدام نموده که در حال ادامه می‌باشد. طبیعی است بررسی چنین طرحی به زمان منطقی نیاز دارد و با توجه به جدیت جمهوری اسلامی در بررسی طرح در کمیته‌های تخصصی، ۳۱ مردادماه برای اعلام نقطه نظرات مشخص گردید.
۳. برای جمهوری اسلامی ایران مایه تعجب است که پس از برگزاری اولین دور مذاکرات مقدماتی با آقای سولانا در بروکسل، درحالی که هیچ اتفاق خاصی نیفتاده است، شواهدی وجود دارد که بعضی از طرف‌ها و به طور مشخص آمریکا با تغییر مسیر مذاکرات به مسیر شورای امنیت درصدد ایجاد موانع بر راه دیپلماسی و مذاکره هستند، درحالی که مسیر مذاکره با اروپا مسیر روشن و درستی است که می‌تواند به نتیجه برسد.
۴. چنانچه مسیر تقابل به جای مسیر مذاکره انتخاب شود و در صورت هرگونه اقدام برای تحدید حقوق مسلم ملت ایران، برای جمهوری اسلامی ایران چاره‌ای جز تجدیدنظر در سیاست‌های هسته ای آن باقی نخواهند ماند. ضمناً متذکر می‌گردد جمهوری اسلامی ایران به دنبال تنش نیست، اما اگر دیگران فضای متشنج و مشکل ایجاد نمایند، در آن شرایط همه دچار مشکل می‌شوند.
۵. جمهوری اسلامی ایران معتقد است که مسیر مذاکره و گفت و گو و تفاهم، منطقی‌ترین راه حل برای حل و فصل مسائل می‌باشد و در این مسیر نیز مصمم و جدی است و بر آن تاکید دارد و از طرف مقابل نیز می‌خواهیم به میز مذاکره بازگردد.